

#### ■ برچسب‌زنی و نهمت ممنوع!

بیش از همه باید احترام حرفه‌ای را بیاموزیم. برای اینکه اده‌ ما درک شود ابتدا باید به مخاطب خود احترام بگذاریم و دلایل و نظراتش را به رسمیت بشناسیم و چنانچه با او هم عقیده نیستیم، تنها با اتکا به استدلال درست و روشن تلاش کنیم تا مخالفان را متقاعد کنیم و اگر موفق نشدیم، باید قدرت استدلال خود را افزایش دهیم و باور کنیم که استفاده از لحن پرخاشگرانه و اعتراض با صدا یا گوش خراش و مشت‌گره کرده قدرت استدلال ما را افزایش نخواهد داد. مبادا برای پیشبرد گفت‌وگو و متقاعد کردن مخالفان به آنها «برچسب» بزنیم؛ «تراریخته پرستان»، «آب سالاران»، «طبیعت سستیزان»، «سازه پرستان»، «ریز مغزها»، «ماقیای سدسازی»، «زمین خواران»... تنها نتیجه استفاده از چنین ادبیاتی، بسته شدن باب گفت‌وگو و از کف رفتن سرمایه گرانبهای اجتماعی است. مبادا برای همراه کردن جامعه با دیدگاه‌های خود دست به مبالغه بزنیم. راهکارهای پیشنهادی خود را معجزه و تنها راه‌های درست قلمداد کنیم که نتایج آن را به نحو مبالغه آمیزی به هر حوزه‌ای تعمیم دهیم. قرار نیست به هر قیمتی و از هر طریق، جلوی پیشرفت یک طرح عمرانی را بگیریم یا نظر خودمان را به کرسی بنشانیم. مبادا از انصاف و احترام و صداقت فاصله بگیریم که در این صورت از سرمایه اجتماعی هزینه می‌کنیم و فردا سرمایه‌ای برای هزینه کردن نخواهیم داشت. هرگز فراموش نکنیم که ما نماینده وقیم اجتماع نیستیم (زیرا که جامعه در هیچ فرایندی به ما وکالت نداده و ما را برنگزیده)، بلکه ممکن است در بهترین حالت نماینده طیف فکری خودمان باشیم. بنابراین به جای سرزنش و متهم کردن مخالفان و کسانی که ما را همراهی نمی‌کنند، تنها می‌توانیم سعی کنیم با استدلال درست و از راه گفت‌وگو، درست آنها را به سمت طیف فکری خودمان تغییر بکنیم. و نهایتاً اینکه باید در درون جامعه محیط زیست هم تحمل نظرات مخالف را داشته باشیم. مبادا به یکدیگر توهین کنیم، خودمان را عقل کل و دیگران را احمق و نادانان و سواد کم بدانیم و جامعه چگونه می‌تواند به ما اعتماد کند وقتی ما خودمان حرمت یکدیگر را حفظ نمی‌کنیم؟ باید با ذهن باز بپذیریم که خود جامعه محیط زیست یک جمعیت یکسان و یک دست نیست، اختلاف نظر و تنوع سلیقه در میان جامعه محیط زیست هم طبیعی و پذیرفتنی است مادامی که با خود و مخاطب ما من صادق و شفاف باشیم و انتظار نداشته باشیم همه از الگوهای اخلاقی و ارزشی ما تبعیت کنند. شاید مهمترین کاری که باید بکنیم این باشد که در درجه اول از خودمان درون جامعه محیط زیست شروع کنیم. براساتی چقدر راه و رسم گفت‌وگو و استدلال را آموخته‌ایم؟ چند بار استدلال و منابع اطلاعاتی و نتیجه گیری‌های خود را کنترل کرده‌ایم؟ آیا خود به آنچه از آن دفاع می‌کنیم و ستایش می‌کنیم به سینه می‌زنیم صدرصد پایندیم؟

مبادا برای پیشبرد گفت‌وگو و متقاعد کردن مخالفان به آنها «برچسب» بزنیم؛ «تراریخته پرستان»، «آب سالاران»، «طبیعت سستیزان»، «سازه پرستان»، «ریز مغزها»، «ماقیای سدسازی»، «زمین خواران»... تنها نتیجه استفاده از چنین ادبیاتی، بسته شدن باب گفت‌وگو و از کف رفتن سرمایه گرانبهای اجتماعی است

غیره تنها گفتمان مرفهانی است که در هیچ‌کدام از دشواری‌ها و نابرابری‌های زندگی‌اش شریک نیستند، جز در حس مالکیت طبیعت و محیط زیست محل سکونت او. اول باید بشویم و درک کنیم، بعد انتظار داشته باشیم که شنیده شویم و درک شویم. باید بیاموزیم که همه متولیان طرح‌های توسعه نه لزوماً دشمن محیط زیست و سرزمین اند، نه لزوماً فاسد و رانت خوراند. وای اگر بی دلیل و مدرک اتهام بزنیم. وای اگر موضوعات را شخصی کنیم و قضاوت‌های معطوف به شخصیت افراد را جایگزین استدلال و نقد مدلل عملکرد کنیم. هیچ‌کدام از این شیوه‌ها در بلند مدت موجب موفقیت ما نخواهند شد. باید از اظهارنظر و نسخه سریع پیچیدن در موضوعاتی که در آن تخصص کافی نداریم بشدت پرهیز کنیم و حتی در حوزه‌هایی که خود را متخصص می‌دانیم نخست اطمینان حاصل کنیم که دانش ما نه روز و روزگاری است و چنانچه به هر دلیلی درایتیم که هرکدام از موضوع گیری‌ها یا اظهار نظر‌های پیشین مان درست نبوده، خود داپطلبان برای پوزش و اصلاح پیشقدم باشیم قبل از آنکه جامعه ما را مجبور به پذیرش اشتباهان کند. مبادا درک و تخصص و ادله مخالفان یا بخش‌های خاموش جامعه را دست کم نگیریم و همگان را به نادانی و کم سوادی و کم خردی محکوم کنیم، وای به روزی که آشکارا شود ما خود چندان درک عمیق و به روزی از همین گفته‌های تکراری و مفاهیم تکراری حوزه محیط زیست همانند آمایش، ظرفیت برد، توان اکولوژیک، تغییر اقلیم، تنوع زیستی و... نداریم.

کم رمق و بحران زده. جامعه ایران ناگزیر خواهد بود دست به انتخاب‌های دشوار زده و آگاهانه و مسئولانه برای آینده خود تصمیم‌های سخت بگیرد، تصمیم‌هایی که هرکدام پیامدهای منفی خواهد داشت و هیچ‌کدام لزوماً همه را راضی نگاه نخواهد داشت. این کار جز بایشوانه اجتماعی قوی امکان پذیر نخواهد بود. اکنون شواهدی تأیید می‌کند که سرمایه ای از مشارکت و همدلی و حساسیت بخش‌هایی از جامعه فراهم شده ولو اندک، ولو بدرستی ندانیم این توجه و حساسیت نتیجه عملکرد جامعه محیط زیست بوده یا تنها نتیجه وخامت اوضاع محیط زیست کشور و وای اگر ما محیط زیستی‌ها قدر این مرتبه نشناسیم و آن کنیم که سرمایه اعتماد از کف بیرون شود که افسوس نوشداری بعد از مرگ سهراب و جگرهای خون شده بسیاری در انتظار همه ما خواهد بود. اگر قدر بدانیم، این سرمایه ناچیز باید با صداقت و بی‌بکاری ادبیات درست و اعتماد زا فرونی یابد. این یعنی تمام هم و غم ما جامعه محیط زیست باید معطوف بر این باشد که بخش‌های بزرگتری از جامعه را با خود همراه کنیم، بخش‌های خاموش و بی‌تحرک را به فعالان و کنشگرانی ثابت قدم و منطقی تبدیل کنیم. هدف ما، نه مغلوب کردن مخالفان به هر طریق، نه جلب همدلی جامعه با تحریک احساسات دردناک و پرسوز و گداز، بلکه برقراری گفت‌وگویی سازنده توأم با درک و احترام است که مخالفان و خاموش‌ها را ترغیب کند نه از روی اجبار یا ترس، بلکه با اتقا و رضایت و بر پایه منطق و عقلانیت و با دلایل روشن و قابل دفاع و به صورت داوطلبانه به سمت ما بیایند.

■ تغییر ادبیات جامعه محیط زیستی ضروری است

نخستین و اساسی‌ترین پیش نیاز تحقق چنین مأموریتی، برقراری گفت‌وگوی سازنده و اعتماد آمیز در بین تمام لایه‌های اجتماع است. نگارنده بر این باور است که ادبیات و رفتار ما جامعه محیط زیستی (بخش غالب آن و بدون در نظر گرفتن استثناها) در حال حاضر ظرفیت برقراری این گفت‌وگو را ندارد و چنانچه بخواهیم خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها و غیره آنقدر شور شده که بالاخره «خان» هم متوجه شده؟ آیا این توجه هم محدود به یک واکنش احساسی محدود است که فعلاً «مد» شده و «تب تندی» است که بزودی به «عرق» نشسته و رفته رفته از ذهن‌ها می‌رود، یا طبیعه‌های یک تغییر بنیادی و عمیق است؟

#### ■ بحران‌های محیط زیستی پیش روی کشور جدی است

پاسخ این سؤال هرچه که باشد، جامعه محیط زیست باید با همه وجود قدر این ظرفیت ایجاد شده را بداند و از آن استفاده کند. در سال‌های پیش رو بنا به شواهد بسیار، دشواری‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای فرا روی جامعه ایران قرار خواهد گرفت: دست‌کم سه دهه مشق ناوشسته توسعه، غول از خواب برخاسته و از چراغ بیرون آمده بیکاری، ده‌ها معضل اجتماعی در سرزمینی با محیط زیستی

و کنش‌پذیری جامعه احتمالاً در سال‌های گذشته وضعیت ثابتی نداشته و نشانه‌های امیدوارکننده و همزمان نگران‌کننده‌ای از تغییرات دیده می‌شود. از تبدیل تدریجی موضوع محیط زیست از یک موضوع حاشیه‌ای کم‌اهمیت و فانتری به یک موضوع مرکزی در گفت‌وگو و رقابت نامزدهای ریاست جمهوری، بوالعجب شنیدن عبارت نا آشنای «محیط زیست» از زبان کسانی که در کل سابقه بیست ساله گذشته‌شان نشانی از کوچکترین توجهی به آن دیده نمی‌شود، تا دیدن مشاهیر هنری و ورزشی در بین طرفداران محیط زیست و بسیاری موارد دیگر، به این معنی است که دغدغه محیط زیست – دست کم در سطوحی از جامعه – به روی میز گفت‌وگو آمده، سیاستمداران و نقش آفرینان از اینک، تا به امروز سنجش درستی از میزان آگاهی و مشارکت جامعه صورت نگرفته و معلوم نیست که این میزان حدوداً چقدر وزیران گرفته می‌شود یا مشارکت نکردن در تفکیک زباله از مبدأ و هزاران نمونه دیگر. موضوع آگاهی و مشارکت، چنان

به ترجیح بند تکراری ادبیات محیط زیستی‌ها تبدیل شده که به نظر می‌رسد خود می‌تواند به منشأ مسائل و مشکلات جدیدی تبدیل شود. شاید وقت آن باشد که دقیق‌تر و از زوایای جدیدی به آن نگاه کنیم. نکنند نالیدن از آگاهی و مشارکت پایین جامعه عادت مان شود و راه ساده‌ای برای فراگفتی و توجیه بسیاری از کم کاری‌هایمان، بدون اینکه از خود پرسیم ما برای بهبود وضعیت چه کرده‌ایم؟ مگر بیش از دوده‌ه زمان نداشته‌ایم که در آگاه‌سازی جامعه و همسو کردن دست کم بخش‌هایی از آن تأثیر گذار باشیم؟ آیا همه راه‌هایی که رفته‌ایم درست بوده و از همه ظرفیت‌هایی که در اختیار داشته‌ایم به شایستگی استفاده کرده‌ایم؟ نکته مهم تر اینکه، تا به امروز سنجش درستی از میزان آگاهی و مشارکت جامعه صورت نگرفته و معلوم نیست که این میزان حدوداً چقدر وزیران گرفته می‌شود یا مشارکت نکردن در تفکیک زباله از مبدأ و هزاران نمونه دیگر. موضوع آگاهی و مشارکت، چنان

وزیر تنها نمونه کوچکی از هزاران اظهار نظر یا اقدام دردناک یکی از اعضای همین جامعه است که امروز در قامت وزیر، معاون وزیر، مهندس و زن خانه دار می‌بینیم که نه از ارزش غیرقابل محاسبه آن «چهارگوشه» آگاهی دارند و نه نسبت به حفاظت از این میراث بی‌همتای فرهنگی و طبیعی علاقه و غیرتی. بیش از دوده‌ه است که ما جامعه محیط زیست، فعالان، دانشگاهیان و سازمان‌های مردم نهاد حامی محیط زیست و رسانه‌ای‌ها پیوسته از پایین بودن آگاهی و احساس مسئولیت جامعه نسبت به مشکلات محیط زیست و مشارکت پایین شهروندان در حل مسائل آن نالیده‌ایم. از پرتاب زباله در حاشیه جاده‌ها و گردشگاه‌ها گرفته تا تخلیه فاضلاب در رودخانه، یا تصمیمات مدیریتی که توسط مدیران ارشد و مهندسان و وزیران گرفته می‌شود یا مشارکت نکردن در تفکیک زباله از مبدأ و هزاران نمونه دیگر. موضوع آگاهی و مشارکت، چنان

همین چند ماه قبل بود که یکی از وزیران دولت (نقل به مضمون) گفت: «محیط زیست به خاطر چهار تا گوشه، جلوی معدن کاوی در منطقه بهرام‌گور را گرفته است».



بهزاد رahnizadeh، معاون وزیر محیط زیست

تفسیر بخش عمده‌ای از جامعه محیط زیست، چه در فضای مجازی رسانه‌ای – که به زعم نگارنده تفسیر درستی هم بود – این بود که این اظهارنظر بیش از هر چیز نشان از نا آگاهی و نداشتن علاقه جناب وزیر نسبت به یک میراث طبیعی تا این اندازه ارزشمند دارد. درست مثل اینکه گفته می‌شد «سازمان میراث فرهنگی به خاطر چهارتا تکه سنگ و خرابه، اجازه معدن کاوی زیرپای تخت جمشید را نمی‌دهد».

واقعیت این است که اظهار نظر این

۲۰ کشور ممنوعیت کامل کیسه‌های پلاستیکی را به اجرا گذاشتند

## فراخوان جهانی برای پیوستن به پویش «دریاهای پاک»



UNEP

به خطر انداخته است. بنابراین من از همه شما مردم جهان می‌خواهم که با امضای این پتیشن به پیشبرد اهداف مورد نظر که تشویق و ترغیب دولتمردان و جامعه جهانی به حذف ظروف پلاستیکی است کمک کنید. آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، نیز همزمان با روز جهانی محیط زیست هشدار داده و گفته بود: زمانی که دولت‌ها بر منافع کوتاه مدت مالی و ارضی خود غلبه نکنند، زوال وضعیت اقیانوس‌ها ادامه خواهد داشت. گوتش همچنین یادآور شد: یکی از چالش‌های عمده پیش رو، خاتمه دادن به «دوگانگی صنعتی» میان مشاغل و اقیانوس‌های سالم است، حفظ و بقای منابع طبیعی و بهره برداری پایدار از منابع دریایی مانند دو روی یک سکه هستند. او همچنین خواستار

پویش دریاهای پاک در نظر دارد با جلب هر چه بیشتر حمایت‌های مردمی، دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌های ممنوعیت مصرف پلاستیک در کشورها وادار کند. این درحالی است که تاکنون دو بیست کشور جهانی برای حمایت از فراخوان دریاهای پاک اعلام آمادگی کرده‌اند. ریک سول‌هایم، رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در کنفرانس بین‌المللی اقیانوس‌ها در این باره گفت: تاکنون بیش از ۲۰ کشور به برنامه کاهش مصرف و حذف ظروف یکبار مصرف پلاستیکی ملحق شده‌اند. اما نیاز به ۸ سال آینده هدف‌گذاری کرده در مجمع عمومی سازمان ملل نیز رسماً معرفی شد. این پویش که مورد حمایت برنامه محیط زیست سازمان ملل نیز قرار گرفته با عنوان

شده هر ساله در بسیاری از کشورها جشن گرفته می‌شود و امسال نیز با اجرای برنامه‌های مختلف در سراسر جهان همراه بود. از برنامه‌های نمادین کاشت درخت و پاکسازی سواحل و دریاهای زباله گرفته تا رفتن به محیط‌های طبیعی و طبیعت گردی با حضور فعالان محیط زیست و برگزاری همایش‌های دوچرخه سواری برای تشویق هر چه بیشتر مردم به حفظ محیط زیست و اجرای برنامه‌های زنده موسیقی و... در همین حال یک پتیشن با بیش از یک میلیون امضا که کاهش مصرف مواد پلاستیکی یکبار مصرف در سراسر جهان را تا ۵ سال آینده هدف‌گذاری کرده در مجمع عمومی سازمان ملل نیز رسماً معرفی شد. این پویش که مورد حمایت برنامه محیط زیست سازمان ملل نیز قرار گرفته با عنوان

#### مژگان جمشیدی

همزمان با روز جهانی محیط زیست و آغاز به کار کنفرانس بین‌المللی اقیانوس‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بسیاری از نمادهای طبیعی و فرهنگی و ساختمان‌های معروف جهان از جمله اهرام مصر، مجسمه مسیح منجی در ریودلانیرو، آبشار نیآگارا و برج الخلیفه به‌عنوان بلندترین ساختمان جهان به رنگ سبز در آمدند تا مردم و دولتمردان را به همبستگی ملی و بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست دعوت کنند. روز جهانی محیط زیست ۵ (ژوئن) که فرصتی برای یادآوری وابستگی بشر به طبیعت و ضرورت مقابله با بحران‌های زیست محیطی است از ۲۵ سال پیش که برای نخستین بار از سوی مجمع عمومی سازمان ملل نامگذاری

بالی در اندونزی، پویش محیط زیستی سازمان ملل را برای پایان دادن به زباله‌های پلاستیکی در دریاها کلید زد. همچنین تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را برای حمایت از یک گونه‌اره ماهی تاکنون به انجام رسانده است. «بنیاد نهنگ تنها» که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد از مهم‌ترین اقدام‌های زیست محیطی این بازنگر سرشناس هالیوودی در راستای الهام بخشیدن به همدلی جهانی نسبت به حفظ گونه‌های دریایی و جلب حمایت‌های بیشتر مردمی برای کمک به حفظ سلامت اقیانوس‌ها بوده است. یکی از تلاش‌های این بنیاد ایجاد پویش بود که در اسلانی استفاده از نی‌های پلاستیکی برای نوشیدن مایعات ممنوع شد. گرینر پس از راهاندازی بنیاد نهنگ تنها، تجربه دریاهای پاک را در کنفرانس اقیانوس‌های سازمان ملل دنبال می‌کند و یک تور مجازی از تأثیر آلودگی‌های پلاستیکی در دریا ترتیب داده است. برگزار کنندگان این پویش جهانی اکنون امیدوارند که بتوانند ۱۰۰ نماینده دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی را برای کاهش تولید پلاستیک و پیوندی به تعهدات شان ملزم کنند. ایک‌س‌ول‌هایم رئیس برنامه محیط زیست سازمان ملل نیز در استقبالی از مقامات این بازنگر هالیوودی در روز جهانی محیط زیست گفت: کاربیزما و انرژی و شور و شوقی که از آدرین سراخ دارم می‌تواند الهام بخش تغییر عادات ما باشد. او به یادآوری می‌کند که بسیاری از مشکلات زیست محیطی جهان از تغییر اقلیم تا آلودگی‌ها اگرچه در نتیجه با اقدام‌ها و تصمیم‌های ما شروع شده ولی در عین حال ما می‌توانیم با قدرتی که داریم آن را متوقف کنیم.

بسته بندی محصولات آغاز کرده است به طوری که تنها در سال جاری ۷۲۵۰ کیلوگرم پلاستیک جمع‌آوری شده را مورد استفاده قرار داده و فراتر است سال ۲۰۲۵ میزان مصرف این نوع پلاستیک‌ها را سالانه تا ۱۰ برابر افزایش دهد. پویش بارگاو، معاون اجرایی شرکت دل می‌گوید: معضل پلاستیک در دریاهای در حال حاضر یک مشکل قابل حل است و حل این معضل نیازمند مشارکت گسترده مردم و دولت‌هاست. آدرین گرینر، بازنگر، کارگردان و فعال محیط زیست هالیوودی هفته گذشته و در حالی که چند ماهی است در تلاش برای کاهش زباله‌های دریایی به رهبران جهان پاسخ داده‌اند و گفته‌اند که انتخاب ما روشن است: ممنوعیت کیسه‌های پلاستیکی یکبار مصرف برای بقای اقیانوس‌ها خواست این مردم بوده و ما تا اجرایی شدن کامل این هدف ادامه می‌دهیم.

خود را برای پایان دادن به مصرف بی‌رویه ظروف پلاستیکی که دریاها و اقیانوس‌ها آلوده شده تا سال ۲۰۲۲ هدف‌گذاری کرده است. از زمان آغاز به پویش در ماه فوریه سال جاری برخی کشورها همچون اندونزی میزان ضایعات پلاستیکی خود را تا ۷۰ درصد کاهش داده‌اند. کشور کتانی نیز قرار است ممنوعیت استفاده از کیسه پلاستیکی را تا ماه سپتامبر به اجرا گذارد و سوئد نیز یک تعهد مالی جدید برای پیشبرد اهداف این پویش زیست محیطی در سطح جهان در نظر گرفته است. مدیر اجرایی این فراخوان هفته گذشته در کنفرانس بین‌المللی اقیانوس‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: امروز ما با یک تصمیم جدی مواجه هستیم اینکه ببینیم اصلاً می‌خواهیم اقیانوس‌ها مملو از ماهی‌های رنگارنگ، آب پاک و آبسنگ‌های مرجانی باشند یا که بر عکس می‌خواهیم دریاهایمان در میان زباله‌های پلاستیکی مدفون شوند؟ تاکنون بیش از یک میلیون شهروند از سراسر جهان به رهبران جهان پاسخ داده‌اند و گفته‌اند که انتخاب ما روشن است: ممنوعیت کیسه‌های پلاستیکی یکبار مصرف برای بقای اقیانوس‌ها خواست این مردم بوده و ما تا اجرایی شدن کامل این هدف ادامه می‌دهیم.

#### ■ حمایت شرکت‌ها از یک پویش محیط‌زیستی

پویش «دریاهای پاک» همچنین مورد حمایت شرکت «دل» نیز قرار گرفته است. این شرکت اخیراً تلاش‌هایی را برای به کارگیری مجدد پلاستیک‌های جمع‌آوری شده از دریاهای و سواحل برای بازیافت و